



# اولویت‌بندی موانع و چالش‌های عدم دستیابی به اهداف برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بخش کشاورزی و منابع طبیعی

غلامرضا یآوری<sup>۱</sup>

وحید عزیزی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۶

## چکیده

این مطالعه با هدف تعیین و اولویت‌بندی موانع و چالش‌های عدم دستیابی به اهداف برنامه‌های اول تا پنجم توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بخش کشاورزی و منابع طبیعی انجام شده است. جامعه آماری این مطالعه شامل متخصصانی است که اطلاعات کافی و درک عمیقی از موضوع مورد مطالعه دارند که از طریق نمونه‌گیری غیر احتمالی و روش گلوله برفی، تعداد ۵۰ نفر شناسایی و مورد مطالعه قرار گرفتند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شد. تعیین روایی و پایایی از طریق پانل متخصصان اهل فن مورد تأیید قرار گرفت. جهت انجام تحقیق از روش تصمیم‌گیری فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) استفاده گردید. بر اساس نتایج ۵۸ گویه در ذیل ۶ عامل شناسایی شدند. طبق نتایج مهم‌ترین موانع و چالش‌های عدم دستیابی به اهداف برنامه‌های توسعه به ترتیب شامل موانع ساختاری - مدیریتی، موانع اقتصادی، موانع سیاستی، موانع علمی، موانع اجرایی و موانع فرهنگی - اجتماعی می‌باشند.

**واژگان کلیدی:** برنامه توسعه، موانع و چالش‌ها، کشاورزی، منابع طبیعی، اولویت‌بندی، روش AHP.

**Keywords:** Development Plan, Barriers & Challenges, Agriculture, Natural Resources, Prioritization, AHP Method.

**JEL Classification:** Q01, Q18, Q48, O13, O21.

## ۱- مقدمه

بخش کشاورزی با تأمین غذا، پوشاک، سرپناه، عرضه مواد خام مورد نیاز فعالیت‌های تولیدی و صنعتی، خدمات پزشکی و تفریحی به نیازهای اساسی انسان و جریان توسعه اقتصادی و اجتماعی جهان کمک کرده است. از این رو، کشاورزی به یکی از مهم‌ترین سرمایه‌گذاری‌ها تبدیل شده است (چاندرسکاران و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸).

بخش کشاورزی به لحاظ نقشی که در توسعه دارد یکی از استراتژیک‌ترین بخش‌های اقتصاد ایران به شمار می‌رود (قلیچ، ۱۳۹۸)؛ به طوری که حدود ۹ درصد تولید ناخالص داخلی، ۲۱ درصد صادرات غیر نفتی، ۱۸ درصد اشتغال و تأمین حدود ۹۳ درصد نیازهای غذایی جامعه و تولید مواد اولیه بسیاری از صنایع دیگر را بر عهده دارد (برخوردار و محمدی‌نژاد، ۱۳۹۷). همچنین این بخش به لحاظ دارا بودن ظرفیت‌های شایان توجه در زمینه تولید بسیاری از محصولات کشاورزی مزیت نسبی داشته و می‌تواند خلق مزیت کند (کرمی و همکاران، ۱۳۹۵).

از این رو در راستای حفظ و ایجاد تغییر مثبت در وضعیت این بخش، ضرورت توجه به توسعه بخش کشاورزی احساس می‌گردد. بنابراین برای پرداختن به این ضرورت بایستی در زمینه بهبود شاخص‌های توسعه کشاورزی تلاش شود (بازیار و احمدوند، ۱۳۹۶). این تلاش‌ها می‌تواند در قالب تدوین برنامه و برنامه‌ریزی اصولی، کارآمد و اجرای دقیق آن صورت پذیرد.

در ساختار نظام برنامه‌ریزی و اجرایی حاکم بر ایران، برنامه‌های پنج‌ساله توسعه در سطح کلان و ملی جریانات و روند ویژه سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های عملیاتی را شکل می‌دهد و میزان توجه و گرایش به پیاده‌سازی رویکردها و رهیافت‌هایی هم‌چون توسعه کشاورزی در ارتباط مستقیم با برنامه‌های پنج‌ساله توسعه قرار می‌گیرد (افراخته و همکاران، ۱۳۹۲).

بعد از انقلاب اسلامی، بخش کشاورزی به لحاظ جایگاه آن در اقتصاد کشور از اهمیت قابل توجهی در برنامه‌های توسعه برخوردار بوده و در هر برنامه، به فراخور زمانی آن، سیاست‌ها و وظایف مهمی برای آن تعریف شده است (برخوردار و محمدی‌نژاد، ۱۳۹۷). در مجموع آنچه که در بخش کشاورزی به عنوان سیاست‌های اصلی پیگیری می‌شود عبارتند از: ۱- توسعه پایدار با حفاظت از منابع طبیعی، ۲- گسترش زیرساخت‌ها برای جذب سرمایه‌گذاری، ۳- نوین‌سازی نظام تولیدات کشاورزی، ۴- ساماندهی و اصلاح نظام بهره‌برداری، ۵- ارتقاء ضریب بهره‌وری آب،

<sup>1</sup>. Chandrasekaran (2018)

۶- تأمین امنیت و ارتقاء سطح زندگی، ۷- تخصیص یارانه هدفمند (کرباسی، ۱۳۹۱).

واکاوی اسناد سیاستی برنامه‌های توسعه کشور، حاکی از آن است که بخش کشاورزی از گذشته تا به حال با چالش‌های مختلفی نظیر عدم افزایش سطح زیر کشت و خرد شدن اراضی، افزایش تخریب و آلودگی منابع پایه، بهره‌وری اندک منابع تولید (آب، زمین و نهاده‌ها)، بالا بودن ریسک تولید، کاهش سرمایه‌گذاری و اشتغال، کمبود دانش و آگاهی تولیدکنندگان، نبود کفایت نظام بیمه و ناکارایی بازار و بازاریابی روبرو بوده است (مرید سادات و همکاران، ۱۳۹۷).

بنابراین با وجود اهمیت بخش کشاورزی اما، چالش‌های متعدد بخش گویایی عدم دستیابی به اهداف ذکر شده در برنامه‌های توسعه می‌باشد. بنابراین لازم است با مطالعه و آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه؛ دلایل عدم دسترسی به اهداف مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین این مطالعه با هدف اولویت‌بندی دلایل عدم دستیابی به اهداف برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران در بخش کشاورزی و منابع طبیعی انجام شده است. در ادامه در بخش دوم، عملکرد بخش کشاورزی در برنامه‌های توسعه، در بخش سوم مطالعات تجربی، در بخش چهارم شرح روش تحقیق و در بخش پنجم نیز نتایج تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد و در انتها نیز پیشنهادات کلی ارائه شده است.

## ۲- برنامه و برنامه‌ریزی در ایران

برنامه‌ریزی در ایران از سال ۱۳۱۶ با پیشنهاد اداره کل تجارت در قالب شورای اقتصاد با هدف تهیه یک نقشه عمومی اقتصادی شروع شد. پس از مطالعات و فعالیت‌های متعدد علمی اولین برنامه توسعه با عنوان «برنامه عمران و آبادانی» در سال ۱۳۲۷ تصویب و به اجرا درآمد. در ادامه تلاش‌های برنامه‌ریزی در قبل از انقلاب اسلامی منجر به اجرای دو برنامه هفت ساله و سه برنامه پنج ساله تا سال ۱۳۵۵ شد (ایمان، ۱۳۷۷). بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل وقوع جنگ تحمیلی حدود یک دهه کشور از برنامه توسعه‌ای محروم بود و از انتهای دهه شصت اولین برنامه به اجرا درآمد. از تاریخ ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۴ تاکنون پنج برنامه توسعه به اجرا درآمده؛ که امکان ارزیابی نتایج حاصله و نقد سیاست‌های فوق فراهم است (جغتایی و همکاران، ۱۳۹۵). بررسی این برنامه‌ها نشان می‌دهد که بخش کشاورزی، در اولویت سیاست‌گذاری‌های دولت‌ها قرار داشته است. به گونه‌ای که در برنامه اول رسیدن به خودکفایی در تولیدات کشاورزی از اهداف اساسی تلقی شد. برنامه دوم با محوریت بخش کشاورزی طراحی و اجرایی شد، اما در برنامه‌های سوم، چهارم

و پنجم، بحثی از محوریت بخش کشاورزی به میان نیامده بود. در ادامه به بررسی وضعیت بخش کشاورزی در برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب اسلامی ایران پرداخته می‌شود.

## ۲-۱- بخش کشاورزی در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

قانون برنامه پنج ساله اول توسعه در مدت ۵ سال (۱۳۶۸ - ۱۳۷۲) از سال ۱۳۶۸ به اجرا درآمد. الگوی این برنامه، برنامه‌ریزی جامع اقتصادی و راهبرد برنامه، جایگزینی واردات با حمایت از صنایع داخلی و کاهش وابستگی به درآمد نفت تعیین شد (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۸). در این برنامه با اتخاذ سیاست قیمت‌های تضمینی، تخصیص یارانه به نهاده‌های کشاورزی، فعالیت‌های آموزشی، ترویجی و تحقیقاتی، عملیات زیربنایی آب، خاک و بیمه محصولات کشاورزی، موفقیت‌های قابل توجهی در روند تولیدات کشاورزی حاصل گردید (اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، ۱۳۹۳). در ادامه با توجه به نتایج جدول (۱) وضعیت عملکرد شاخص‌های کلان بخش کشاورزی در برنامه اول توسعه بررسی شده است.

در برنامه اول هدف رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی، دستیابی به متوسط رشد ۶/۱ درصد بود که پس از اجرای آن، ۶/۴۵ درصد رشد داشت. در این برنامه پیش‌بینی شده بود که ۲۸۶۸ میلیارد ریال سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی انجام شود که در عمل با متوسط رشد سالانه ۴/۴۴ درصد به میزان ۱۹۱۴۱ میلیارد ریال تحقق پذیرفت. همچنین سهم سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی در کل سرمایه‌گذاری اقتصاد معادل ۹/۸ درصد پیش‌بینی شده بود که در عمل به ۲/۳۹ درصد رسید. در رابطه با وضعیت اشتغال بخش کشاورزی در برنامه اول پیش‌بینی شده بود که ۱۵۸ هزار شغل ایجاد گردد و در عمل بر اساس نتایج در این مدت حدود ۲۳۳ هزار شغل جدید با متوسط رشد سالانه ۱/۵ درصد ایجاد و به طور کامل هدف برنامه محقق شد. در این برنامه، ارزش صادرات کالاهای سنتی و کشاورزی به طور متوسط ۲۹/۵۷ درصد افزایش یافت و از ۸۹۴/۴ میلیون دلار در سال ۱۳۶۸ به ۲۵۱۶/۱ میلیون دلار در سال ۱۳۷۲ رسید. همچنین میانگین سهم بخش کشاورزی از صادرات غیر نفتی در برنامه ۷۴/۵۱ درصد بوده است (جدول ۱).

جدول ۱: عملکرد شاخص‌های مهم اقتصادی بخش کشاورزی در برنامه اول توسعه (۱۳۷۲ - ۱۳۶۸)

متوسط دوره	سال‌های برنامه اول توسعه					عنوان شاخص (واحد)
	۱۳۷۲	۱۳۷۱	۱۳۷۰	۱۳۶۹	۱۳۶۸	
۷۴۲۴۴	۸۲۴۰۹	۸۱۶۲۲	۷۴۰۰۹	۷۰۰۷۲	۶۳۱۱۲	ارزش افزوده بخش کشاورزی (میلیارد ریال)
۸۹۴۸۶	۹۹۸۰۹	۹۴۰۵۵	۸۸۵۹۴	۸۰۹۰۶	۸۴۰۶۹	موجودی سرمایه خالص بخش کشاورزی (میلیارد ریال)
۳/۳۳	۳/۴۳	۳/۳۷	۳/۲۱	۳/۴۰	۳/۲۲	میزان شاغلین بخش کشاورزی (میلیون نفر)
۱۶۷۶	۲۵۱۶	۱۹۹۶	۱۹۳۷	۱۰۳۸	۸۹۴	صادرات کالاهای کشاورزی و سنتی (میلیون دلار)

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، جداول حساب‌های ملی سالانه؛ سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۳۹۷)

## ۲-۲- بخش کشاورزی در برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

برنامه دوم توسعه برای اجرا در مدت پنج سال (۱۳۷۴ - ۱۳۷۸) تهیه و از سال ۱۳۷۴ آغاز شد (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۷). مهم‌ترین سیاست‌هایی که در رابطه با بخش کشاورزی در این برنامه مورد توجه قرار گرفت عبارت بودند از: توجه به صنایع تبدیلی، اولویت در تأمین اعتبارات عمرانی فصول آب، کشاورزی و منابع طبیعی، تمرکز تدریجی فعالیت‌های دولت در تحقیقات، ترویج و آموزش کشاورزی، تأکید بر افزایش تولید در واحد سطح و بالا بردن راندمان آب، تأمین نهاده‌ها و ماشین‌آلات کشاورزی، تعیین قیمت‌های تضمینی و تعرفه‌های گمرکی، کاهش نقش واسطه‌ها، استمرار یارانه و معافیت‌های مالیاتی، بیمه کشاورزی، احیاء، حفاظت، و بهره‌برداری از جنگل‌ها، مراتع و منابع دریایی (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۷۵).

در قانون برنامه دوم هدف رشد بخش کشاورزی دستیابی به رشد سالانه ۴/۳ درصد بود که پس از اجرای برنامه، ارزش افزوده بخش کشاورزی به قیمت ثابت سال ۱۳۸۳ به طور متوسط ۲/۲۵ درصد رشد داشت. در این برنامه پیش‌بینی شده بود سهم سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی از کل سرمایه‌گذاری بخش‌های اقتصادی کشور ۶/۴ درصد شود که بعد از اجرای برنامه بخش کشاورزی فقط ۲/۷۹ درصد را به خود اختصاص داد. همچنین موجودی سرمایه خالص بخش کشاورزی در این برنامه، سالانه به طور متوسط حدود ۵ درصد رشد داشت. در طول برنامه دوم ارزش صادرات کالاهای سنتی و کشاورزی به طور متوسط ۱۲/۳ درصد کاهش یافت و از ۱۹۰۱ میلیون دلار در سال ۱۳۷۴ به ۱۴۷۸ میلیون دلار در سال ۱۳۷۸ رسید. همچنین در برنامه دوم پیش‌بینی شده بود که به تعداد شاغلین بخش کشاورزی ۲۱۴ هزار نفر با نرخ رشد ۱/۲ درصد افزوده شود. اما در عمل حدود ۵۷۳ هزار نفر با نرخ رشد ۳/۱۵ درصد افزوده شد. در طی این برنامه متوسط سهم شاغلین بخش کشاورزی از شاغلین کل کشور ۲۵/۲۸ درصد بود.

جدول ۲: عملکرد شاخص‌های مهم اقتصادی بخش کشاورزی در برنامه دوم توسعه (۱۳۷۸ - ۱۳۷۴)

متوسط دوره	سال‌های برنامه دوم توسعه					شاخص‌ها (واحد)
	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	
۹۲۴۷۲	۹۳۲۹۲	۱۰۰۶۴۱	۹۱۰۲۴	۹۰۱۳۷	۸۷۲۶۸	ارزش افزوده بخش کشاورزی (میلیارد ریال)
۱۱۸۸۳۶	۱۳۲۶۶۹	۱۲۲۶۹۱	۱۱۸۴۱۸	۱۱۳۱۴۸	۱۰۷۲۵۸	موجودی سرمایه خالص بخش کشاورزی (میلیارد ریال)
۳/۷۸	۴/۲۶	۳/۹۶	۳/۷۶	۳/۳۶	۳/۵۶	شاغلین بخش کشاورزی (میلیون نفر)
۱۵۳۷/۵۶	۱۴۷۸	۱۴۱۲	۱۲۵۰	۱۶۴۵	۱۹۰۱	صادرات کالاهای کشاورزی و سنتی (میلیون دلار)

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، جداول حساب‌های ملی سالانه؛ سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۳۹۷)

### ۲-۳- بخش کشاورزی در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

برنامه سوم توسعه برای مدت پنج سال (۱۳۸۳ - ۱۳۷۹) اجراء شد (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۹). اهداف کلان برنامه، تمرکز فعالیت‌های اقتصادی در جهت عدالت اجتماعی، ایجاد نظام جامع تأمین اجتماعی، مهار تورم، اصلاح نظام مالیاتی و پولی، توسعه عمران روستایی، اشتغال‌زایی، امنیت سرمایه‌گذاری، ایجاد امنیت غذایی و آموزش نیروی انسانی بود (شقایقی شهری، ۱۳۹۷).

در طول برنامه سوم تصویب شد که حداقل ۲۵ درصد از تسهیلات اعطایی کلیه بانک‌ها به بخش آب و کشاورزی اختصاص داده شود. در امر توسعه پایدار نیز طرح‌هایی از قبیل تعادل دام و مرتع، خروج دام از جنگل و لزوم حفاظت از منابع پایه اتخاذ شد (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۹). در ادامه عملکرد شاخص‌های کلان بخش کشاورزی در برنامه سوم مورد بررسی قرار گرفته است.

در برنامه سوم متوسط رشد سالانه ارزش افزوده بخش کشاورزی ۴ درصد بود که در مقایسه با نرخ رشد هدف‌گذاری شده ۵/۱ درصد، تحقق ۷۸ درصدی هدف برنامه را نشان می‌دهد. سهم این بخش از تولید ناخالص داخلی نیز به طور متوسط به ۷/۵ درصد رسید. در طول برنامه سوم، ارزش صادرات کالاهای سنتی و کشاورزی به طور متوسط ۵/۴ درصد افزایش یافت. همچنین میانگین سهم بخش کشاورزی از صادرات غیر نفتی به ۳۵/۲۹ درصد رسید. موجودی سرمایه خالص بخش کشاورزی نیز به طور متوسط سالانه حدود ۷/۱۶ درصد رشد داشت و میانگین سهم این بخش فقط ۳/۱۹ درصد از کل موجودی سرمایه خالص اقتصاد کشور بود. در برنامه سوم رشد اشتغال بخش کشاورزی ۰/۷۵ درصد بود، به طوری که در طول برنامه میزان اشتغال این بخش از ۴/۱۴ میلیون نفر در سال ۱۳۷۹ به ۴/۳۸ میلیون نفر در سال ۱۳۸۳ رسید. در این برنامه متوسط سهم شاغلین بخش کشاورزی از کل شاغلین به ۲۴/۳۵ درصد رسید (جدول ۳).

جدول ۳: عملکرد شاخص‌های مهم اقتصادی بخش کشاورزی در برنامه سوم توسعه

متوسط برنامه	سال‌های برنامه سوم توسعه					شاخص‌ها (واحد)
	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	
۱۰۴۶۵۳	۱۱۲۸۰۰	۱۱۲۴۴۵	۱۰۷۱۴۱	۹۴۳۴۸	۹۶۵۳۲	ارزش افزوده بخش کشاورزی (میلیارد ریال)
۱۶۲۸۱۹	۱۸۷۴۴۴	۱۷۳۳۰۱	۱۶۱۹۱۴	۱۵۰۷۱۶	۱۴۰۷۲۲	موجودی سرمایه خالص بخش کشاورزی (میلیارد ریال)
۴/۱۹	۴/۳۸	۳/۹۶	۴/۲۲	۴/۲۵	۴/۱۴	شاغلین بخش کشاورزی (میلیون نفر)
۱۷۴۹	۱۸۷۹	۲۰۷۵	۱۷۲۳	۱۶۰۲	۱۴۶۵	صادرات کالاهای کشاورزی و سنتی (میلیون دلار)

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، جداول حساب‌های ملی سالانه؛ سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۳۹۷)

## ۲-۴- بخش کشاورزی در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

برنامه چهارم با هدف تسریع رشد اقتصادی، افزایش توان رقابت‌پذیری اقتصاد، تعامل با اقتصاد جهانی، توسعه پایدار و حفظ محیط زیست، توسعه سلامت و بهبود کیفیت زندگی، تأمین امنیت و برقراری عدالت اجتماعی طی دوره (۱۳۸۸ - ۱۳۸۴) اجراء شد (شقایقی شهری، ۱۳۹۷).

در برنامه چهارم توسعه تأمین امنیت غذایی، خودکفایی در تولید محصولات اساسی، توسعه صادرات و حفاظت از منابع طبیعی از اهداف مهم بخش کشاورزی تعیین شد (اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، ۱۳۹۳).

در این برنامه پیش‌بینی شده بود که رشد سالانه ارزش افزوده بخش کشاورزی به ۶/۵ درصد برسد در حالی که در عمل، این مقدار ۱/۲۸ درصد برآورد شد. سهم این بخش از تولید ناخالص داخلی نیز از ۷/۵۲ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۵/۹۲ درصد در سال ۱۳۸۸ کاهش یافت. رشد اشتغال بخش کشاورزی در برنامه چهارم تنها ۰/۳۶ درصد بود، به طوری که میزان اشتغال این بخش از ۵/۱ میلیون نفر در سال ۱۳۸۴ به ۴/۳۸ میلیون نفر در سال ۱۳۸۸ رسید. همچنین متوسط سهم شاغلین این بخش از شاغلین کل کشور ۲۲/۵۵ درصد بود. در برنامه چهارم موجودی سرمایه خالص بخش کشاورزی به طور متوسط سالانه حدود ۷/۴۹ درصد رشد داشت و از ۲۰۴۳۴۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۴ به ۲۶۸۹۳۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۸ رسید. میانگین سهم بخش کشاورزی طی این برنامه نیز ۳/۶۶ درصد از کل موجودی سرمایه خالص اقتصاد کشور بود. صادرات کالاهای کشاورزی و سنتی نیز در برنامه چهارم به طور متوسط ۱۷/۸۸ درصد افزایش یافت و ارزش آن از ۲۵۴۴/۱۹ میلیون دلار در سال ۱۳۸۴ به ۴۱۳۳/۴۹ میلیون دلار در سال ۱۳۸۸ رسید. همچنین علیرغم روند افزایشی ارزش صادرات، سهم صادرات بخش در طول برنامه کاهشی بود و از ۲۴/۲۹ درصد در سال ابتدایی برنامه به ۱۸/۸۸ درصد در سال پایانی برنامه تنزل یافت.

جدول ۴: عملکرد شاخص‌های مهم اقتصادی بخش کشاورزی در برنامه چهارم توسعه

متوسط برنامه	سال‌های برنامه چهارم توسعه					شاخص‌ها (واحد)
	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۱۲۲۹۳۳	۱۱۵۱۰۰	۱۰۵۰۱۸	۱۳۶۴۲۹	۱۳۲۵۹۷	۱۲۵۵۲۰	ارزش افزوده بخش کشاورزی (میلیارد ریال)
۲۳۵۵۶۱	۲۶۸۹۳۲	۲۵۲۰۵۲	۲۳۳۷۴۱	۲۱۸۷۳۶	۲۰۴۳۴۷	موجودی سرمایه خالص بخش کشاورزی (میلیارد ریال)
۴/۶۹	۴/۳۸	۴/۳۴	۴/۸۱	۴/۸۳	۵/۱۰	شاغلین بخش کشاورزی (میلیون نفر)
۳۲۹۵	۴۱۳۳	۳۳۰۴	۳۴۸۱	۳۰۱۱	۲۵۴۴	صادرات کالاهای کشاورزی و سنتی (میلیون دلار)

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، جداول حساب‌های ملی سالانه؛ سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۳۹۷)

## ۲-۵- بخش کشاورزی در برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

برنامه پنجم توسعه با هدف تحقق حداقل رشد ۸ درصدی اقتصاد، توسعه سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه‌های خارجی، ارتقای سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی، قطع وابستگی بودجه به نفت، واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی، توسعه صادرات و کاهش نرخ بیکاری به ۷ درصد برای دوره (۱۳۹۴-۱۳۹۰) تدوین و اجرایی شد (شقایقی شهری، ۱۳۹۷).

در برنامه پنجم توجه به بخش کشاورزی کم رنگ‌تر شد اما به طور کلی مهم‌ترین محورهای توسعه این بخش عبارت بودند از: ارتقای بهره‌وری، ارتقای شاخص ضریب امنیت غذایی، افزایش تولیدات کشاورزی، حفظ و بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی، توسعه بازار و صادرات محصولات کشاورزی، ارتقاء سطح امنیت سرمایه‌گذاری، بهبود سطح درآمد و زندگی کشاورزان، روستاییان و عشایر (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۸۹).

هدف رشد بخش کشاورزی در برنامه پنجم، دستیابی به متوسط رشد سالانه ۶ درصد بود که پس از اجرای برنامه ارزش افزوده بخش کشاورزی به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ معادل ۴/۷۸ درصد رشد داشت. موجودی سرمایه خالص بخش کشاورزی، با متوسط رشد ۳/۵۲ درصد از ۸۳۸۹۹۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۰ به ۹۲۳۵۵۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۴ رسید. همچنین سهم این بخش از کل موجودی سرمایه خالص اقتصاد کشور فقط ۴/۲۵ درصد بود.

در این برنامه پیش‌بینی شده بود که ۳۵۰ هزار شغل در بخش کشاورزی ایجاد شود و تعداد شاغلین در سال ۱۳۹۴ به ۴/۳ میلیون نفر برسد. اما در عمل میزان اشتغال این بخش با رشد تنها ۰/۰۲ درصد از ۳/۸۱ میلیون نفر در سال ۱۳۹۰ به ۳/۹۱ میلیون نفر در سال ۱۳۹۴ رسید. در طول برنامه پنجم، صادرات کالاهای کشاورزی و سنتی به طور متوسط ۲/۰۲ درصد افزایش یافت و ارزش صادرات آن از ۵۱۸۰/۸۲ میلیون دلار در سال ۱۳۹۰ به ۳۵۶۰۹/۲۶ میلیون دلار در سال ۱۳۹۴ رسید. میانگین



سهم این بخش از صادرات غیر نفتی نیز ۱۵/۶۴ درصد بود.

جدول ۵: عملکرد شاخص‌های مهم اقتصادی بخش کشاورزی در برنامه پنجم توسعه

متوسط دوره	سال‌های برنامه پنجم توسعه					شاخص‌ها (واحد)
	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	
۳۸۵۴۶۴	۴۲۴۱۷۳	۴۰۵۴۳۲	۳۸۴۶۳۲	۳۶۴۶۵۸	۳۴۸۴۲۵	ارزش افزوده بخش کشاورزی (میلیارد ریال)
۸۸۳۶۳	۹۲۳۵۵۵	۹۲۰۹۸۷	۸۹۳۰۱۷	۸۶۵۲۶۶	۸۳۸۹۹۱	موجودی سرمایه خالص بخش کشاورزی (میلیارد ریال)
۳/۹۰	۳/۹۶	۳/۸۱	۳/۹۱	۴/۰۰	۳/۸۱	شاغلین بخش کشاورزی (میلیون نفر)
۵۳۲۴	۵۱۶۹	۶۱۱۸	۴۵۹۳	۵۵۶۰	۵۱۸۰	صادرات کالاهای کشاورزی و سستی (میلیون دلار)

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، جداول حساب‌های ملی سالانه؛ سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۳۹۷)

### ۳- پیشینه تحقیق

اهمیت بررسی عملکرد برنامه‌های توسعه در بخش‌های مختلف اقتصادی باعث شده که تاکنون تحقیقات مختلفی پیرامون آن صورت پذیرد که با توجه به هدف و محدوده موضوعی تحقیق به برخی از آنان اشاره می‌گردد.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۸) در مطالعه‌ای ریشه‌های عدم توفیق در برنامه‌های اول و دوم توسعه را فقدان پایگاه نظری، بلند پروازانه بودن اهداف، ناسازگاری اهداف و ابزارهای سیاستی، مسائل حقوقی و قانون‌گذاری، طولانی بودن دوره برنامه، فقدان مکانیسم‌های نظارتی و مشخص نمودن مکانیسم‌های انگیزشی و حدود نیاز به ایجاد انگیزه دانست.

غلامی نتاج امیری (۱۳۸۵) تنگناهای نظری برنامه‌های توسعه در ایران را فقدان انسجام نظری، انحراف از راهبردها در عمل و ناسازگاری نظریات انتخابی با فرهنگ بومی می‌داند.

بر اساس نتایج مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۹) علل اثر بخشی ضعیف ناشی از اجرای راهبردهای توسعه بخش کشاورزی در چهار برنامه توسعه شامل موارد زیر می‌باشد: بهره نگرفتن از اصول دانش مدیریت در تنظیم راهبردهای توسعه، نبود چارچوب‌های بلندمدت برای حل مسائل استراتژیک بخش کشاورزی، نبود تناسب در تقویم تصویب قانونی با تقویم نظام اجرایی، چالش‌های سیاسی، شناخت ضعیف از چالش‌ها و قابلیت‌های نظام اجرایی.

مؤمنی و امینی میلانی (۱۳۹۰) به بررسی شاخص‌های توسعه پایدار در برنامه‌های توسعه ایران با رویکرد آمارتیا سن<sup>۱</sup> پرداخته‌اند. طبق نتایج در برنامه‌های سوم و چهارم مفاهیم "ارتقاء امنیت انسانی، و توانمندسازی" مورد توجه قرار گرفت و برخی شاخص‌های پایداری مانند حفظ محیط

<sup>۱</sup>. Amartia Sen

زیست و ایجاد فرصت‌های برابر در متن برنامه وارد شد اما در عمل مورد توجه قرار نگرفت.

سیف‌الدینی و همکاران (۱۳۸۹) در بررسی موانع توسعه منطقه‌ای در ایران نشان می‌دهند که تمرکزگرایی، بخشی‌نگری، فقدان فرهنگ برنامه‌ریزی در سطوح مدیریتی، فقدان بسترهای قانونی، وابستگی به درآمدهای نفتی، نقصان منابع داده و اطلاعات، ضعف برنامه‌ها و کمبود نیروی متخصص در نظام برنامه‌ریزی از جمله ویژگی‌های این نظام برنامه‌ریزی بوده است.

تقی ملایی و مهدوی (۱۳۹۵) به بررسی برنامه‌های توسعه ایران پرداخته‌اند. طبق نتایج علیرغم توجهی که در هر پنج برنامه توسعه به بخش کشاورزی شده است اما این بخش نتوانسته به اهداف خود دست یابد. طبق نتایج فقط برنامه سوم در بخش کشاورزی موفق بوده است.

حکیمی‌پور (۱۳۹۷) در بررسی کارایی فنی صنایع بزرگ در برنامه‌های توسعه با استفاده از روش تابع مرزی تصادفی نشان داد که سطح کارایی فنی در صنایع بزرگ پایین بوده و میانگین استانی میزان کارایی صنایع در بهترین حالت مربوط به برنامه سوم توسعه بوده است.

میلیکان<sup>۱</sup> (۱۹۶۷) به روش‌های برنامه‌ریزی در برنامه‌های ۵ ساله هند می‌پردازد. در برنامه اول و دوم از مدل هارود دومار<sup>۲</sup> استفاده شده است. همچنین بر انباشت سرمایه تأکید و تجارت خارجی نادیده گرفته شده است.

در بررسی باگواتی و پادما (۱۹۷۰)<sup>۳</sup> آسیب سیاست‌های بخش صنعت و تجارت در دوره استقلال هند طی دوره (۱۹۶۶-۱۹۴۷) عبارت بودند از: اهداف نامناسب نظیر سطح تولید، رویکرد فیزیکی به وضع و اجرای برنامه و ساختار غیر بهینه مقررات‌گذاری در باب صنعتی شدن.

چو (۲۰۱۱)<sup>۴</sup> ساختار برنامه‌ریزی در چین را مورد مطالعه قرار می‌دهد. وی عنوان می‌دارد که اولین برنامه پنج ساله چین در سال ۱۹۵۳ آغاز شد ولی ساختار برنامه‌ریزی پس از اصلاحات اقتصادی ۱۹۷۸ متحول گشت و با توجه به اصلاح مکانیزم بازار نیاز به برنامه‌ریزی متمرکز کاهش یافت، اما بحران‌های مالی جهانی و جهانی شدن، برنامه‌ریزی در چین را محوری ساخت. در پژوهشی که توسط نسیکاک و کسیت<sup>۵</sup> (۲۰۱۵) در نیجریه انجام گرفت مشخص شد که چالش‌های موجود در بخش کشاورزی شامل تغییر آب و هوا، شیوه‌های قدیمی تولید، زیربنای ضعیف و حمایت ضعیف دولت از تحقیقات و توسعه تکنولوژی‌های بخش کشاورزی می‌باشد.

1. Millikan (1967)

2. Haraud Dummar

3. Bhagwati & Padma (1970)

4. Chow (2011)

5. Nsikak & Kesit (2015)

مرور ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی توسعه در هر بخش به دنبال افزایش درآمد، ایجاد اشتغال، کاهش فقر و ... می‌باشد، اما تحقیقات گذشته نشان می‌دهد که برنامه‌های توسعه ایران تا حدودی در اجرای اهداف خود در بخش‌های اقتصادی موفق عمل نکرده‌اند. لذا می‌بایست موانع و چالش‌هایی را که باعث مشکلاتی در اجرای برنامه می‌شود بر طرف نمود. متأسفانه با وجود این که رفع موانع عملیاتی شدن برنامه‌های توسعه در بخش کشاورزی از اهمیت بسزایی برخوردار است، اما تحلیل کاملی از عملکرد اهداف برنامه‌های توسعه در بخش کشاورزی انجام نشده است. لذا تحقیق حاضر بر آن است تا با انجام یک مطالعه جامع به تحلیل دلایل عدم دستیابی به اهداف برنامه‌های توسعه ایران در بخش کشاورزی و منابع طبیعی بپردازد.

#### ۴- روش تحقیق

مطالعه حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت از نوع تحلیلی - توصیفی می‌باشد. با توجه به اهداف تحقیق از نظر جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها از نوع اسنادی و پیمایشی محسوب می‌گردد. مهم‌ترین هدف این روش، تجزیه و تحلیل و توصیف پدیده‌ای معین (موانع و چالش‌ها و اولویت‌بندی آن‌ها) است که از طریق روش فرآیند تحلیل سلسله مراتبی<sup>۱</sup> (AHP) اجرا شده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق پرسشنامه است. پرسشنامه اولیه با استفاده از بررسی منابع مرتبط با قوانین برنامه‌های توسعه و انجام مصاحبه‌های کیفی طراحی شد. در مرحله بعد جهت بررسی میزان اعتبار و اعتماد ابزار تحقیق از سنجش روایی و پایایی پرسشنامه استفاده شد. برای این منظور ابتدا جهت بررسی روایی، پرسشنامه اولیه در اختیار یک پنل ۵ نفره تخصصی با حضور اساتید و متخصصین بخش کشاورزی قرار داده شد و از آن‌ها خواسته شد تا نظرات خود را در خصوص سطح دشواری، میزان عدم تناسب گویه‌ها با موضوع و خصوصیات ظاهری آن بیان نمایند. پس از انجام موارد اصلاحی در مرحله بعد پایایی پرسشنامه مورد سنجش قرار گرفت.

برای بررسی پایایی ابزار تحقیق ارزیابی بر روی گروه هدف متمرکز خواهد شد. جهت سنجش ضریب پایایی گویه‌های پرسشنامه در قالب یک جدول با مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای شامل: کاملاً موافقم (۵ امتیاز)، موافقم (۴ امتیاز)، نظری ندارم (۳ امتیاز)، مخالفم (۲ امتیاز) و کاملاً مخالفم (۱ امتیاز)، تدوین شد و در اختیار ۱۵ نفر از گروه هدف قرار گرفت تا نظرات خود را در مورد میزان اهمیت هر کدام از گویه‌ها مشخص کنند. پس از تکمیل نظرات پاسخ‌دهندگان آماره آزمون آلفای

<sup>۱</sup>. Analytical Hierarchy Process

کروناخ معادل ۰/۸۵ محاسبه شد. با توجه به این که این مقدار در بازه (۰/۸ - ۰/۹) قرار دارد نتایج پایایی خوب ارزیابی می‌شود، که حاکی از قابل اعتماد بودن ابزار تحقیق است.

در ادامه بعد از اصلاح و آزمون سنجش روایی و پایایی ابزار تحقیق، پرسشنامه نهایی به روش مرسوم پرسشنامه‌های مورد استفاده در تحلیل سلسله مراتبی تدوین شد. پرسشنامه نهایی مشتمل بر سه بخش مطابق با هدف تحقیق طراحی گردید. در بخش اول به بررسی ویژگی‌های فردی نمونه مورد مطالعه پرداخته شد. در بخش دوم، سوالات مقایسه زوجی و تعیین درجه اهمیت معیارهای اصلی مشتمل بر ۶ عامل اصلی عدم دستیابی به اهداف برنامه‌های توسعه مطرح شد. در بخش سوم، مقایسه زوجی و تعیین درجه اهمیت زیرمعیارهای فرعی مشتمل بر ۵۸ مولفه فرعی عدم دستیابی به اهداف برنامه‌های توسعه در بخش کشاورزی پرداخته شد.

جامعه آماری این مطالعه شامل خبرگان و دست‌اندرکاران بخش کشاورزی در سازمان‌ها، دانشگاه‌ها و تولیدکنندگان است که در زمینه موضوع تحقیق دارای درک و دانش کافی می‌باشند. بنابراین جهت جمع‌آوری اطلاعات از روش غیر احتمالی<sup>۱</sup> و روش نمونه‌گیری گلوله برفی<sup>۲</sup> استفاده شد (سرمد و همکاران، ۱۳۹۷). در روش نمونه‌گیری گلوله برفی، پژوهش‌گر کار تعیین اعضا را با شناسایی فرد یا گروهی از افراد آگاه، آغاز و از این طریق به افراد مناسب دیگر دست می‌یابد. بنابراین در این تحقیق، با استفاده از این روش ۵۰ نفر که آماده همکاری بودند شناسایی و مورد مطالعه قرار گرفتند. در ادامه به منظور دستیابی به هدف اصلی پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و انجام فرآیند تحلیل سلسله مراتبی از نرم افزار اکسپرت چویس<sup>۳</sup> ۱۱ استفاده گردید.

فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) یکی از معروف‌ترین فنون تصمیم‌گیری چند منظوره است که اولین بار توسط توماس. ال. ساعتی<sup>۴</sup> در دهه ۱۹۷۰ ابداع گردید (ساعتی، ۱۹۸۰). این روش در هنگامی که عمل تصمیم‌گیری با چند گزینه رقیب و معیار تصمیم‌گیری روبرو است می‌تواند استفاده گردد. این تکنیک بر اساس مقایسه زوجی بنا نهاده شده و امکان بررسی سناریوهای مختلف را به پژوهشگران می‌دهد. از این روش جهت اتخاذ تصمیمات پیچیده‌ای که عناصر و عوامل تصمیم‌گیری در آن از جنس کیفی بوده و به سختی می‌توان آن را به جنس کمی تبدیل نمود استفاده می‌شود. هدف از فرآیند تحلیل سلسله مراتبی ایجاد سلسله مراتب پیچیدگی یک

1. Nonprobability Sampling

2. Snowball Sampling

3. Expert Choice (EC)

4. Thomas L.Saaty

مسئله طی مدارج طبقه‌بندی شده از بزرگ به کوچک یا از عمومی به مطالب خاص اقتصادی است تا این که بتوان به این ترتیب از موضوع به دقت بیشتری دست پیدا کرد (زاهدی، ۱۹۸۶).

جهت انجام تحقیق از طریق فرآیند تحلیل سلسله مراتبی، ابتدا باید مسئله را تعریف و سپس آن را به صورت یک ساختار سلسله مراتبی ترسیم نمود. بعد از ایجاد سلسله مراتب، اهمیت نسبی عوامل مختلف را باید تعیین کرد. ارزیابی این عوامل می‌تواند به وسیله طراحان مسئله صورت گیرد. یعنی افراد نظر خود را در رابطه با یک معیار و تأثیر آن بر هر گزینه مطرح می‌کنند. سپس به این نظرات، امتیاز داده شده و هر کدام رتبه‌بندی می‌شوند. بعد از طی مراحل نظرات تلفیق شده و مطلوبیت هر کدام از گزینه‌های موجود به صورت ریاضی تخمین زده می‌شود و گزینه‌ای که بیشترین مقدار عددی را دارد، به عنوان بهترین گزینه انتخاب می‌گردد (قدسی پور، ۱۳۸۵).

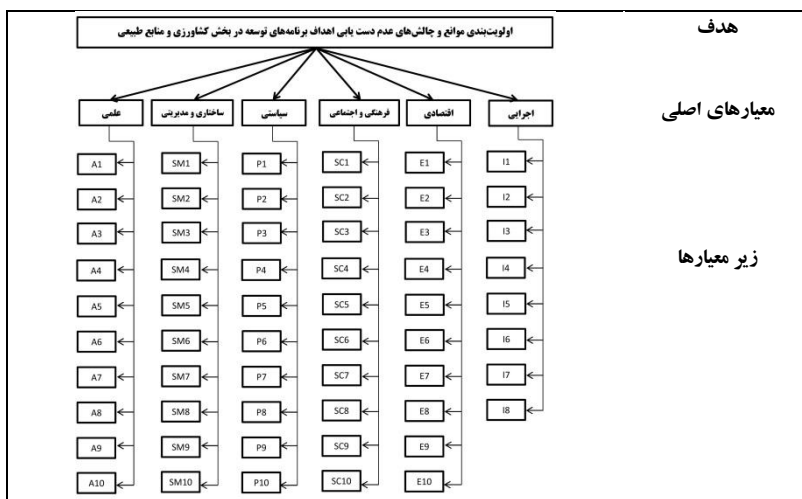
اولین قدم در روش AHP، ایجاد ساختاری سلسله مراتبی است که در آن اهداف، معیارها و گزینه‌ها نشان داده می‌شود. در این مطالعه مطابق شکل ۱ سطح اول درخت هدف تصمیم شامل اولویت‌بندی موانع و چالش‌های عدم دستیابی اهداف برنامه‌های توسعه در بخش کشاورزی و منابع طبیعی می‌باشد. در سطح دوم معیارهای اصلی با عنوان موانع اقتصادی، موانع اجتماعی-فرهنگی، موانع ساختاری-مدیریتی، موانع اجرایی، موانع سیاسی و موانع علمی مشخص شده‌اند. سطح سوم درخت نیز ۵۸ زیر معیار با کد اختصاصی ذیل ۶ معیار اصلی مشخص شدند.

مرحله دوم شامل تعیین ضریب اهمیت (وزن) معیارها و زیرمعیارها با استفاده از مقایسات زوجی<sup>۱</sup> عوامل مندرج در هر سطح از سلسله مراتب در جواب‌گویی به تحقق هدف می‌باشد. این مقایسات در ماتریس مقایسات زوجی درج می‌شود. این ماتریس دو خاصیت عمده دارد: اول آن که قطر این ماتریس عدد ۱ است به این معنی که نسبت ترجیح یک عامل در مقایسه با خودش مساوی ۱ است و دوم آن که ترجیح عوامل نسبت به یکدیگر خاصیت معکوس‌پذیری دارند (مارینونی، ۲۰۰۷)<sup>۲</sup>. این دو خاصیت باعث می‌شود که برای مقایسه  $n$  معیار، صفت و یا گزینه، پاسخ دهنده فقط به  $n(n-1)/2$  مقایسه زوجی پاسخ بدهد. زیرا وقتی  $n$  عامل به صورت دو به دویی مطرح باشد، ماتریس حاصل  $n \times n$  عضوی خواهد داشت که از این تعداد، نصف آن معکوس نیمه دیگر می‌باشد و  $n$  عضو قطر ماتریس هم عدد ۱ خواهد بود (مشیری، ۱۳۸۰).

1. Zahedi

2. Pair- Wise Comparisons

3. Marinoni



منبع: یافته‌های تحقیق

شکل ۱: درخت سلسله مراتب تصمیم در فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP)

در مدل AHP برای تعیین مقدار عددی ترجیح یک عامل به عامل دیگر، بحث می‌شود که تخصیص مستقیم چنین وزن‌هایی به صورت مطلق، عملاً منجر به ناسازگاری محاسبات خواهد شد. ساعاتی مقایسات نسبی و زوجی را برای این منظور پیشنهاد می‌کند و برای احتراز از کاربرد اعداد مجرد و مطلق یک قیاس ۹ درجه‌ای مطابق جدول شماره ۶ ارائه می‌نماید (ساعاتی، ۱۹۸۸).

جدول ۶: مقیاس ۹ کمیتی ال ساعاتی برای مقایسه دودویی معیارها

امتیاز	۱	۳	۵	۷	۹	۲-۴-۶-۸
تعریف	ترجیح یکسان	کمی مرجح	ترجیح بیشتر	ترجیح خیلی بیشتر	کاملاً مرجح	ترجیحات بنیابین

منبع: ساعاتی (۱۹۸۸)

بعد از محاسبه وزن نسبی معیارها و زیرمعیارها مرحله بررسی و سازگاری مقایسات زوجی می‌باشد. روشی که ساعاتی برای بررسی سازگاری در قضاوت‌ها در نظر گرفته، محاسبه ضریب ناسازگاری (IR)<sup>۱</sup> است (قدسی‌پور، ۱۳۸۵). نرخ ناسازگاری معین می‌کند که پاسخ پرسش‌شوندگان به مقایسه معیارها با گزینه‌ها چه اندازه اعتبار منطقی دارد (محمّدیان و همکاران، ۱۳۸۸)؛ و تا چه حد می‌توان به اولویت‌های حاصل از جدول‌های ترکیبی اعتماد کرد (شاکری و سلیمی، ۱۳۸۳). هنگامی که ناسازگاری صفر است، ما کاملاً سازگار هستیم و هر چه

<sup>۱</sup>. Inconsistency Ratio (I.R)

این نرخ افزایش یابد، میزان ناسازگاری در هدف ما نیز افزایش یافته است. در حالت کلی اگر نرخ ناسازگاری کمتر از ۰/۱ باشد، ناسازگاری نسبتاً پذیرفته است، در غیر این صورت، بازنگری در قضاوت ضروری به نظر می‌رسد (قدسی‌پور، ۱۳۸۵).

## ۵- نتایج تحقیق

### ۵-۱- ویژگی‌های نمونه مورد مطالعه

در این بخش به معرفی مشخصات فردی نمونه مورد مطالعه پرداخته می‌شود. میانگین سن نمونه مورد مطالعه ۴۴/۴۴ سال می‌باشد (با انحراف معیار ۱۰/۶۹) که کوچکترین فرد ۲۵ سال و بزرگترین فرد ۶۸ سال سن داشتند. میانگین سابقه کار نمونه مورد مطالعه نیز ۱۷/۹۴ سال بود (با انحراف معیار ۹/۷۹) که حداقل سابقه ۱ سال و حداکثر ۳۸ سال می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که ۶۴ درصد (۳۲ نفر) از پاسخ‌دهندگان مذکر و ۳۶ درصد (۱۸ نفر) نیز مونث می‌باشند. همچنین ۶ درصد (۳ نفر) افراد دارای تحصیلات فوق دیپلم، ۳۴ درصد (۱۷ نفر) کارشناسی، ۳۴ درصد (۱۷ نفر) کارشناسی ارشد و ۲۶ درصد (۱۳ نفر) نیز دارای درجه دکترای تخصصی هستند.

### ۵-۲- نتایج اولویت‌بندی موانع و چالش‌ها

به منظور اولویت‌بندی موانع و چالش‌های عدم دستیابی به اهداف برنامه‌های توسعه در بخش کشاورزی و منابع طبیعی از روش فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) استفاده شد. این روش با شناسایی و اولویت‌بندی عناصر تصمیم‌گیری شروع می‌شود. این عناصر شامل اهداف، معیارها و گزینه‌های احتمالی است که در اولویت‌بندی به کار گرفته می‌شوند. اولین قدم در تحلیل مسائل به روش AHP، ایجاد ساختاری سلسله مراتبی از موضع مورد بررسی است که در آن اهداف، معیارها و زیر معیارها و ارتباط بین آن‌ها در شکل ۱ نشان داده شده است.

در این بخش به بررسی سازگاری در قضاوت‌ها پرداخته می‌شود. جهت بررسی سازگاری در قضاوت‌ها از ضریب ناسازگاری (IR) استفاده شد. نتایج محاسبات این ضریب در جدول ۷ نشان می‌دهد نرخ سازگاری مقایسه زوجی معیارهای اصلی معادل ۰/۰۳۵۲ می‌باشد که با توجه به این که کمتر از ۰/۱ است نتایج معیارهای اصلی در حد مطلوب خواهد بود. همچنین نرخ سازگاری نتایج زوجی شش زیرمعیار کمتر از ۰/۱ می‌باشد و نتایج آن‌ها نیز تأیید و در حد مطلوب می‌باشد. پس از تأیید نرخ سازگاری ماتریس‌های ترکیبی، در بخش‌های بعدی به تحلیل رتبه‌بندی معیارها و زیرمعیارها پرداخته شد. به طوری که ابتدا معیارهای اصلی با توجه به هدف اولویت‌بندی می‌شوند

و در گام بعدی زیرمعیارهای هر یک از معیارهای اصلی دو به دو مقایسه زوجی شدند.

جدول ۷: نرخ سازگاری ماتریس ترکیبی مقایسات زوجی معیارها و زیرمعیارها

شاخص سازگاری	ماتریس سوالات
۰/۰۰۳۵۲	مقایسه زوجی معیارهای اصلی
۰/۰۰۴۶۸	مقایسه زوجی زیرمعیارهای معیار موانع اجرایی
۰/۰۰۶۷۹	مقایسه زوجی زیرمعیارهای معیار موانع اقتصادی
۰/۰۰۹۱۲	مقایسه زوجی زیرمعیارهای معیار موانع سیاسی
۰/۰۰۶۲۱	مقایسه زوجی زیرمعیارهای معیار موانع اجتماعی - فرهنگی
۰/۰۰۳۹۴	مقایسه زوجی زیرمعیارهای معیار موانع علمی
۰/۰۰۴۳۳	مقایسه زوجی زیرمعیارهای معیار موانع ساختاری - مدیریتی

مأخذ: محاسبات تحقیق

### ۵-۲-۱- نتایج مقایسه زوجی و اولویت‌بندی معیارهای اصلی

در روش تحلیل AHP با توجه به نظر پاسخگویان شش معیار اصلی دو به دو باهم مورد مقایسه و نتایج آن در جدول ۸ قرار گرفته است. بر اساس نتایج تحقیق؛ اولویت‌بندی معیارهای اصلی به ترتیب اهمیت شامل موانع ساختاری - مدیریتی با وزن نسبی ۰/۲۲۸ در رتبه اول، موانع اقتصادی با وزن نسبی ۰/۲۰۰ در رتبه دوم، موانع سیاسی با وزن نسبی ۰/۱۵۶ در رتبه سوم، موانع علمی با وزن نسبی ۰/۱۵۳ در رتبه چهارم، موانع اجرایی با وزن نسبی ۰/۱۳۷ در رتبه پنجم و موانع فرهنگی - اجتماعی با وزن نسبی ۰/۱۲۷ در رتبه ششم قرار گرفتند.

جدول ۸: نتایج مقایسه زوجی معیارهای اصلی

کد	رتبه	وزن نسبی	معیار اصلی
SM	۱	۰/۲۲۸	موانع و چالش‌های ساختاری - مدیریتی
E	۲	۰/۲۰۰	موانع و چالش‌های اقتصادی
P	۳	۰/۱۵۶	موانع و چالش‌های سیاسی
A	۴	۰/۱۵۳	موانع و چالش‌های علمی
I	۵	۰/۱۳۷	موانع و چالش‌های اجرایی
SC	۶	۰/۱۲۷	موانع و چالش‌های فرهنگی - اجتماعی

مأخذ: محاسبات تحقیق

### ۵-۲-۲- اولویت‌بندی زیرمعیارهای موانع ساختاری - مدیریتی

جهت اولویت‌بندی موانع ساختاری - مدیریتی تعداد ۱۰ گویه انتخاب و دو به دو مورد مقایسه زوجی قرار گرفت. بر اساس نتایج جدول ۹، گویه «نبود مراکز تخصصی حمایت از کشاورزی اعم از شرکت‌های مشاوره‌ای، تأمین نهاده، بازاریابی و ...» و گویه «ضعف زیرساخت‌های عمرانی مورد



نیاز برای توسعه بخش کشاورزی» به عنوان مهمترین چالش‌ها و موانع ساختاری-مدیریتی مشخص شدند.

جدول ۹: نتایج مقایسه زوجی زیرمعیارهای موانع ساختاری - مدیریتی

رتبه	وزن نسبی	موانع ساختاری و مدیریتی	کد
۱	۰/۱۲۶	نبود مراکز تخصصی حمایت از کشاورزی اعم از شرکت‌های مشاوره‌ای، تامین نهاده، بازاریابی و غیره	SM3
۲	۰/۱۱۳	ضعف زیرساخت‌های عمرانی مورد نیاز برای توسعه بخش کشاورزی	SM1
۳	۰/۱۱۲	نبود برنامه‌ریزی و فقدان سند راهبردی توسعه و چشم انداز مناسب بین مدیران	SM2
۴	۰/۱۰۱	نبود شایسته سالاری در انتخاب و انتصاب متخصصان و نخبگان در بین مدیران بخش کشاورزی	SM8
۵	۰/۰۹۸	معیشتی، سنتی، کوچکی و پراکندگی واحدهای تولیدی	SM5
۶	۰/۰۹۶	تغییر کاربری و استفاده غیر اصولی از اراضی کشاورزی و منابع طبیعی	SM4
۷	۰/۰۹۶	نبود بازار مناسب برای نهاده‌ها، محصولات و خدمات در بخش کشاورزی	SM9
۸	۰/۹۱	نامناسب بودن ترکیب نیروی انسانی موجود در بخش کشاورزی	SM6
۹	۰/۰۸۸	دیوان سالاری و ساختار اداری کمتر منعطف جهت پیشبرد اهداف توسعه کشاورزی	SM7
۱۰	۰/۰۸۱	وجود سیستم‌های بخشی نگر به جای کلان نگر	SM10

مأخذ: محاسبات تحقیق

### ۵-۲-۳- اولویت‌بندی زیرمعیارهای موانع سیاستی

جهت اولویت‌بندی موانع سیاستی تعداد ۱۰ گویه انتخاب و دو به دو مورد مقایسه زوجی قرار گرفت. طبق نتایج جدول ۱۰ زیرمعیار «کمبود خدمات حمایتی و کارآمدی ضعیف سیاست‌های حمایتی موجود» و زیرمعیار «بی‌ثباتی سیاست‌های اقتصادی و غیر قابل پیش‌بینی بودن تصمیمات دولتی» به عنوان مهم‌ترین موانع و چالش‌های سیاستی مطرح شدند.

جدول ۱۰: نتایج مقایسه زوجی زیرمعیارهای موانع سیاستی

رتبه	وزن نسبی	موانع سیاستی	کد
۱	۰/۱۳۰	کمبود خدمات حمایتی و کارآمدی ضعیف سیاست‌های حمایتی موجود	P3
۲	۰/۱۲۰	بی‌ثباتی سیاست‌های اقتصادی و غیر قابل پیش‌بینی بودن تصمیمات دولتی	P2
۳	۰/۱۰۶	دخالت دولت در تصمیمات، قیمت‌گذاری و اعمال محدودیت‌های غیر ضروری در تخصیص و توزیع منابع	P4
۴	۰/۱۰۴	وجود قوانین و مقررات انعطاف‌ناپذیر و دست و پاگیر برای ورود به بخش تولید	P1
۵	۰/۰۹۹	وجود رانت اقتصادی و حمایت مالی برای بخش دولتی در مقایسه با بخش خصوصی	P5
۶	۰/۰۹۵	عدم شفافیت، مبهم و به روز نبودن قوانین و مقررات ناظر بر فعالیت‌های اقتصادی	P6
۶	۰/۰۹۵	عدم تطابق قوانین و مقررات پیچیده نظام بانکی با فرهنگ جامعه روستایی و کشاورزان سنتی	P7
۷	۰/۰۹۴	حمایت نکردن دولت از تجاری‌سازی تحقیقات دانشگاهی و پروژه‌های دانش بنیان	P9
۸	۰/۰۸۹	ناکارآمدی و عدم پوشش مناسب نظام بیمه در بخش کشاورزی	P8
۹	۰/۰۶۹	عدم تخصیص اعتبار سهم تولید از قانون هدفمندی یارانه‌ها	P10

مأخذ: محاسبات تحقیق

### ۵-۲-۴- اولویت‌بندی زیرمعیارهای موانع علمی

نتایج اولویت‌بندی زیرمعیارهای موانع و چالش‌های علمی (آموزش، ترویج و تحقیقات) در جدول ۱۱ بیان شده است. طبق نتایج «عدم شفاف بودن اطلاعات و نبود پایگاه اطلاع‌رسانی جامع و فراگیر» و زیرمعیار «کمبود منابع و امکانات آموزشی برای آموزش کشاورزان» به عنوان مهم‌ترین موانع و چالش‌های علمی مشخص شده‌اند. همچنین زیر معیار «نقش کم‌رنگ رسانه‌های جمعی در معرفی دستاوردهای نوین کشاورزی» به عنوان کم اهمیت‌ترین چالش موانع علمی انتخاب شد.

### ۵-۲-۵- اولویت‌بندی زیرمعیارهای موانع اقتصادی

جهت محاسبه وزن نسبی و اولویت‌بندی زیرمعیارهای موانع اقتصادی تعداد ۱۰ زیرمعیار فرعی انتخاب و دو به دو مورد مقایسه زوجی قرار گرفت. بر اساس نتایج در جدول ۱۲ زیرمعیار «کمبود منابع سرمایه و عدم وجود امنیت سرمایه‌گذاری در بخش تولید» و زیر معیار «بهره‌وری پایین و بالا بودن ریسک تولید» به عنوان مهم‌ترین چالش‌های موانع اقتصادی مطرح شده‌اند.

جدول ۱۱: نتایج مقایسه زوجی زیرمعیارهای معیار موانع علمی

رتبه	وزن نسبی	موانع علمی	کد
۱	۰/۱۲۶	عدم شفاف بودن اطلاعات و نبود پایگاه اطلاع‌رسانی جامع و فراگیر	A2
۲	۰/۱۱۳	کمبود منابع و امکانات آموزشی برای آموزش کشاورزان	A3
۳	۰/۱۰۸	نبود یک سیستم آموزشی، تحقیق و توسعه خلاق پرور در بخش کشاورزی	A1
۴	۰/۱۰۸	عدم تطابق کامل و دقیق فعالیت‌های تحقیقاتی بخش کشاورزی با نیازهای بهره‌برداران	A7
۵	۰/۰۹۹	عدم ارتباط منسجم میان بخش تولید، دانشگاه و مراکز علمی و تحقیقاتی	A9
۶	۰/۰۹۸	کمبود دانش فنی و پایین بودن سطح تحصیلات و تجربه صاحبان و مدیران	A5
۷	۰/۰۹۶	نبود صندوق‌های سرمایه‌گذاری جهت حمایت از مراکز تحقیقاتی بخش کشاورزی	A4
۸	۰/۰۹۱	فقدان سازوکار مناسب جهت مشارکت بخش خصوصی در امر تحقیقات کشاورزی	A6
۹	۰/۰۸۵	کاربردی نبودن محتوای دروس دانشگاهی در دانشکده‌های کشاورزی	A10
۱۰	۰/۰۷۶	نقش کم‌رنگ رسانه‌های جمعی در معرفی دستاوردهای نوین کشاورزی	A8

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول ۱۲: نتایج مقایسه زوجی زیرمعیارهای موانع اقتصادی

رتبه	وزن نسبی	موانع اقتصادی	کد
۱	۰/۱۳۸	کمبود منابع سرمایه و عدم وجود امنیت سرمایه‌گذاری در بخش تولید	E10
۲	۰/۱۳۲	بهره‌وری پایین و بالا بودن ریسک تولید	E9
۳	۰/۱۰۲	هزینه بالای تجهیز بخش کشاورزی به ماشین‌آلات و تجهیزات مکانیزه	E2
۴	۰/۰۹۶	عدم گستردگی مدل‌های غیر دولتی تامین مالی در بخش کشاورزی	E1
۵	۰/۰۹۲	نبود تقویم تولید متناسب با نیاز مصرف و تقاضا	E6
۶	۰/۰۹۱	کارایی نامناسب بازار و بازاریابی و افزایش دلالتی و واسطه‌گری	E4
۷	۰/۰۹۰	وجود تبعیض میان سرمایه‌گذاری مولد و غیر مولد	E5
۸	۰/۰۸۸	کمبود تسهیلات اعتباری و عدم تمایل بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در تامین منابع مالی	E7
۸	۰/۰۸۸	اختصاص نیافتن بودجه‌های تصویبی به طور کامل به بخش کشاورزی	E8
۹	۰/۰۸۳	هزینه‌های بالای تولید و قیمت پایین محصولات	E3

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول ۱۳: نتایج مقایسه زوجی زیرمعیارهای معیار موانع اجرایی

رتبه	وزن نسبی	موانع اجرایی	کد
۱	۰/۱۴۷	عدم توسعه و سازماندهی نهادهای اجرایی در بخش اعتبارات کشاورزی	I2
۲	۰/۱۴۳	عدم اجرای صحیح نظارت بر حسن اجرای قوانین	I8
۳	۰/۱۲۹	عدم نظارت مناسب بر نحوه هزینه‌کرد تسهیلات اعتباری داده شده	I1
۴	۰/۱۲۱	عدم کنترل مداوم کیفیت محصولات با توجه به استانداردهای ملی و جهانی	I4
۵	۰/۱۲۰	عدم نظارت و کنترل کیفی مواد اولیه مصرفی در بخش‌های تولیدی	I6
۶	۰/۱۱۹	عدم تشکیل نهادهای مردمی در سطح روستاها	I5
۷	۰/۱۱۴	اجرای نامطلوب قانون هدفمندی یارانه‌ها	I3
۸	۰/۱۰۷	دشواری هماهنگی بین دستگاه‌های ذی ربط فعال در بخش کشاورزی	I7

مأخذ: محاسبات تحقیق

## ۵-۲-۶- اولویت‌بندی زیرمعیارهای موانع اجرایی

در جدول ۱۳ نتایج مقایسه زوجی زیرمعیارهای موانع اجرایی بیان شده است. طبق نتایج زیرمعیارهای «عدم توسعه و سازماندهی نهادهای اجرایی در بخش اعتبارات کشاورزی با وزن نسبی ۰/۱۴۷»، «عدم اجرای صحیح نظارت بر حسن اجرای قوانین» با وزن نسبی ۰/۱۴۳ و «عدم نظارت مناسب بر نحوه هزینه‌کرد تسهیلات اعتباری داده شده» با وزن نسبی ۰/۱۲۹ به عنوان بهترین چالش‌ها و موانع اجرایی مطرح شده‌اند.

## ۵-۲-۷- اولویت‌بندی زیرمعیارهای موانع اجتماعی - فرهنگی

جهت بررسی موانع و چالش‌های اجتماعی - فرهنگی تعداد ۱۰ زیرمعیار انتخاب و دو به دو مورد

مقایسه زوجی قرار گرفت. طبق نتایج جدول ۱۴ زیرمعیارهای «پایین بودن سطح آگاهی‌های عمومی و کم سواد بهره‌برداران» و «فقدان توجه به بخش کشاورزی نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی» به عنوان مهم‌ترین چالش‌ها و موانع اجتماعی - فرهنگی مشخص شدند.

جدول ۱۴: نتایج مقایسه زوجی زیرمعیارهای معیار موانع فرهنگی و اجتماعی

رتبه	وزن نسبی	موانع فرهنگی و اجتماعی	کد
۱	۰/۱۳۹	پائین بودن سطح آگاهی‌های عمومی و کم سواد بهره‌برداران	SC10
۲	۰/۱۱۶	فقدان توجه به بخش کشاورزی نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی	SC9
۳	۰/۱۱۳	نبود فرهنگ ریسک‌پذیری در میان تولیدکنندگان	SC2
۴	۰/۰۹۹	عدم فرهنگ‌سازی در رویکرد و اقبال بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری	SC4
۵	۰/۰۹۵	عدم وجود فرهنگ مناسب کار و تولید در بخش کشاورزی	SC1
۶	۰/۰۹۳	نبود فرهنگ مناسب استفاده از خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی	SC7
۷	۰/۰۹۲	نامشخص بودن سیاست زمین‌داری در بخش کشاورزی	SC6
۸	۰/۰۸۸	نبود بیمه تأمین اجتماعی مناسب در بخش‌های روستایی و تولیدی	SC8
۸	۰/۰۸۸	چند پارگی‌های قومی، زبانی، مذهبی و تعارضات فرهنگی	SC5
۹	۰/۰۷۵	حادثه خیز بودن مناطق (خشک سالی، توفان‌های موسمی، زلزله و سیل)	SC3

مأخذ: یافته‌های تحقیق

## ۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

اقتصاد ایران و بخش کشاورزی بیش از نیم قرن است که به وسیله برنامه‌های توسعه مدیریت می‌شود. اما با وجود تأکید مداوم به اهمیت بخش کشاورزی توسط سیاست‌گذاران، این بخش در به حرکت درآوردن چرخ رشد و توسعه نمود بزرگی نداشته و چالش‌های متعدد آن گویای عدم دستیابی به اهداف ذکر شده در برنامه‌های توسعه می‌باشد. مطالعه حاضر با هدف تعیین و اولویت‌بندی دلایل عدم دستیابی به اهداف برنامه‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بخش کشاورزی و منابع طبیعی انجام شده است. با انجام مطالعات پیشین و با توجه به اهداف تحقیق تعداد ۵۸ زیرمعیار در ذیل ۶ معیار اصلی شناسایی و مورد تحلیل قرار گرفتند. جهت انجام تحقیق از روش تصمیم‌گیری فرآیند واکاوی سلسله مراتبی (AHP) و استفاده از نظر ۵۰ تن از متخصصان مربوطه استفاده شد. نتایج مقایسه زوجی و اولویت‌بندی معیارهای اصلی پژوهش نشان داد که موانع ساختاری - مدیریتی و موانع اقتصادی از درجه اهمیت، مهم‌ترین دلایل و در اولویت اول و دوم قرار دارند. همچنین موانع سیاسی، موانع علمی، موانع اجرایی و موانع فرهنگی - اجتماعی به ترتیب در اولویت سوم تا ششم درجه اهمیت قرار

دارند. به طور کلی می‌توان مهم‌ترین دلایل عدم دستیابی به اهداف برنامه‌های توسعه در بخش کشاورزی و منابع طبیعی را در سه دسته اقتصادی، اجرایی و ساختاری به صورت زیر نتیجه‌گیری کرد:

از مهم‌ترین موانع عدم توسعه بخش کشاورزی مشکلات مالی و اقتصادی می‌باشد. این مشکلات شامل کمبود منابع سرمایه‌ای، کاهش بودجه‌های دولتی، عدم وجود مشوق‌های حمایتی جهت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و نبود مدل‌های مختلف تأمین مالی می‌باشد. در بخش مشکلات اجرایی و مدیریتی می‌توان به مدیریت دولتی بخش اشاره کرد. دخالت دولت‌ها باعث ایجاد رانت دولتی، بی‌ثباتی و غیر قابل پیش‌بینی شدن سیاست‌های دولت شده است. همچنین می‌توان به وجود قوانین دست و پاگیر و بروز نبودن قوانین و مقررات ناظر بر فعالیت‌های تولیدی بخش اقتصاد، فرسوده بودن سیستم اجرایی کشور، وجود ضعف در ساختار اداری و نبود شایسته‌سالاری در سیستم اداری و اجرایی حاکم بر بخش کشاورزی اشاره کرد. در بخش مشکلات ساختاری و زیربنایی می‌توان به نبود یک سیستم حمایتی مناسب و هدفمند در رابطه با توسعه زیرساخت‌ها، آموزش و تحقیقات، نظام بیمه‌ای و حمایت از تولیدات اشاره کرد. همچنین چالش‌های بخش تولید از جمله کاهش بهره‌وری، افزایش هزینه‌های تولید، فرسوده بودن ادوات کشاورزی، پراکنده بودن اراضی و نبود تقویم مناسب تولید را می‌توان نام برد. همچنین نتایج تحقیق نشان داد که در طراحی برنامه‌های توسعه، به مسائلی از قبیل مدت زمان برنامه‌های توسعه، ظرفیت‌های نظام اجرایی، عوامل تسهیل‌کننده در اجرای استراتژی و ساختار تقویم نظام سیاسی و اجرایی کشور دقت کافی معمول نشده؛ همچنین نبود یک برنامه بلندمدت مشخص در بخش کشاورزی، امکان اولویت‌گذاری در انتخاب و اجرای سیاست‌ها را دچار مشکل کرده است. در ادامه با توجه به نتایج تحقیق پیشنهادهایی به شرح زیر توصیه می‌گردد:

- در ایران با توجه به وجود تنوع اقلیم و شرایط تولیدی متفاوت جهت توسعه بخش کشاورزی نیاز به طراحی برنامه‌های اختصاصی و مشخص با تنظیم اولویت‌های اهداف و راهبردهای اختصاصی توسعه کشاورزی احساس می‌شود.
- مطالعه بر روی روش‌های مختلف تأمین مالی و منابع سرمایه‌ای جدید و ایجاد بسترهای لازم برای توسعه و گسترش آن‌ها در بخش کشاورزی باید انجام شود.
- تأمین منابع مالی از جمله افزایش بودجه‌های اختصاصی و افزایش تسهیلات اعتباری کم بهره در جهت حمایت از بخش خصوصی و تولیدکنندگان و توسعه زیرساخت‌های مورد نیاز.

- ایجاد یک سیستم حمایتی مشخص با سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه زیرساخت‌ها، آموزش و تحقیقات، نظام بیمه‌ای و حمایت از بخش تولید.
- به کارگیری و استفاده از نخبگان و افراد شایسته تحصیل کرده در بخش‌های گوناگون و استفاده از دانش روز مدیریت، اجرا و تولید در بخش کشاورزی و منابع طبیعی.

## منابع و مآخذ

۱. افرخته، حسن. حجی‌پور، محمد. گرزین، مریم. و نجاتی، بهناز (۱۳۹۲). "جایگاه توسعه پایدار کشاورزی در برنامه‌های توسعه ایران (مورد: برنامه‌های پنج ساله پس از انقلاب)". مجله سیاست‌های راهبردی و کلان ۱(۱): ۹۶-۶۵.
۲. اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران (۱۳۹۳). بررسی نظام حمایتی در بخش کشاورزی، تهران، انتشارات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران. پروژه شماره ۳۶.
۳. ایمان، محمدتقی (۱۳۷۷). تنگناهای روش شناختی در تدوین برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی در ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۴. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶). موجودی سرمایه در اقتصاد ایران (۱۳۹۴-۱۳۵۳)، تهران: اداره حساب‌های اقتصادی، انتشارات بانک مرکزی ایران.
۵. بازاریار، احسان. و احمدوند، مصطفی (۱۳۹۶). "تبیین بازدارنده‌های توسعه کشاورزی در روستاهای شهرستان رستم". مجله پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی ۱۰(۱): ۷۶-۶۵.
۶. برخوردار، فهیمه. و محمدی‌نژاد، امیر (۱۳۹۷). "شناسایی عامل‌های مؤثر بر رشد زیر بخش زراعت و باغبانی". مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی ۱۰(۲): ۳۲-۱۵.
۷. تقی ملایی، یوسف. و مهدوی، علی (۱۳۹۵). "بررسی روند بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی در طی برنامه‌های پنج ساله توسعه ایران". مجله استراتژی راهبردی جنگل ۱(۱): ۱۱-۱.
۸. جغتایی، فائزه. موسوی، میرطاهر. و زاهدی مازندرانی، محمدجواد (۱۳۹۵). "ابعاد و مولفه‌های توسعه اجتماعی در برنامه‌های پنجگانه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران". مجله رفاه اجتماعی ۱۶(۶۳): ۸۸-۵۵.
۹. حکیمی‌پور، نادر (۱۳۹۷). "تحلیل مقایسه‌ای کارایی بخش صنایع بزرگ در استان‌های ایران در برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب با استفاده از روش تابع مرزی تصادفی". مجله سیاست‌گذاری اقتصادی ۱۰(۲۰): ۲۱۳-۱۹۱.
۱۰. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۶۸). قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۲-۱۳۶۸، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
۱۱. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۷). قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۸-۱۳۷۴، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، چاپ پنجم.
۱۲. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۹). قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳-۱۳۷۹، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.

۱۳. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۸۹)، قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۴-۱۳۹۰، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
۱۴. سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۳۹۷). بازنگری آمارهای سری زمانی شاخص‌های منتخب بازار کار در دوره ۱۳۹۶-۱۳۶۵، تهران، سازمان برنامه و بودجه کشور.
۱۵. سرمد، زهره. بازرگان، عباس. و حجازی، الهه (۱۳۹۷). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران، نشر آگاه، چاپ ۳۱.
۱۶. سیف‌الدینی، فرانک. پناهنده‌خواه، موسی. و قدمی، مصطفی (۱۳۸۹). "چالش‌ها و موانع برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای در ایران". مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی ۴۲(۳): ۸۳-۹۸.
۱۷. شاکری، عباس. و سلیمی، فریدون (۱۳۸۳). "عوامل موثر بر جذب سرمایه‌گذاری در منطقه آزاد چابهار و اولویت‌بندی آن‌ها با استفاده از AHP". مجله پژوهش‌های بازرگانی ۶(۲۰): ۱۳۰-۹۵.
۱۸. شقاقی شهری، وحید (۱۳۹۷). "ارزیابی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور از منظر تحقق اهداف اقتصادی سند چشم‌انداز". مجله مجلس و راهبرد ۲۵(۹۴): ۲۳۷-۲۰۹.
۱۹. غلامی نتاج امیری، سعید (۱۳۸۵). "آسیب‌شناسی نظری برنامه‌های توسعه اقتصادی". مجله پژوهشنامه اقتصاد ۳: ۸۸-۵۹.
۲۰. قلیچ، وهاب (۱۳۹۸). "طراحی الگوی بکارگیری صکوک و کالت جهت تامین مالی بخش کشاورزی". مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی ۱۱(۱): ۱۷۴-۱۴۹.
۲۱. قدسی‌پور، حسن (۱۳۸۵). مباحثی در تصمیم‌گیری چندمعیاره، فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی، تهران، انتشارات دانشگاه صنعتی امیرکبیر.
۲۲. کرباسی، علی‌رضا (۱۳۹۱). اقتصاد توسعه کشاورزی، تربت حیدریه، انتشارات دانشگاه تربت حیدریه.
۲۳. کریمی، آیت‌اله. نوری، مرتضی. و موسوی، نعمت‌الله (۱۳۹۵). "ارزیابی و رتبه‌بندی توسعه کشاورزی شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد". مجله اقتصاد کشاورزی ۱۰(۴): ۱۳۸-۱۱۹.
۲۴. محمدیان، فرشاد. شاهنوشی فروشانی، ناصر. قربانی، محمد. و عاقل، حسن (۱۳۸۸). "انتخاب الگوی کشت بلقوه محصولات زراعی بر اساس روش فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی AHP (مطالعه موردی: دشت تربت جام)". مجله دانش کشاورزی پایدار ۱۹(۱): ۱۸۷-۱۷۱.



۲۵. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۵). *نگاهی به وضعیت بخش کشاورزی و جایگاه آن در برنامه پنج ساله دوم توسعه، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس، کد گزارش: ۲۵۰۱۴۹۰.*
۲۶. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۸). *ریشه‌های عدم توفیق در برنامه‌های اول و دوم. تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، کد گزارش: ۲۴۰۳۸۵۹.*
۲۷. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۹). *نگاهی به راهبردهای اصلی بخش کشاورزی در برنامه‌های پنج ساله توسعه در بیست سال گذشته. تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.*
۲۸. مریدسادات، پگاه. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا. پورطاهری، مهدی. و شعبانعلی فمی، حسین. (۱۳۹۷). "تحلیل پایداری سیاست‌های کلان و بخشی کشاورزی در برنامه‌های پنج‌ساله جمهوری اسلامی ایران". *مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران* ۱(۴۹): ۵۸-۴۳.
۲۹. مشیری، اسماعیل (۱۳۸۰). "مدل تعدیل شده AHP برای نظرسنجی و تصمیم‌گیری‌های گروهی". *مجله دانش مدیریت* ۱۴(۵۲): ۹۲-۶۳.
۳۰. مؤمنی، فرشاد. و امینی میلانی، مینو (۱۳۹۰). "کیفیت زندگی و توسعه پایدار در برنامه‌های توسعه ایران با رویکرد آمارتیا سن". *مجله سیاست‌گذاری اقتصادی* ۳(۵): ۶۴-۳۵.
31. Bhagwati, J. & Padma, D. (1970). *India Planning for Industrialization. Industrialization and Trade Policies since 1951*, London, Oxford University Press.
32. Chandrasekaran, B. Annadurai, K. & Somasundaram, E. (2018). *A Textbook of Agronomy*, New Age International (P) Limited, Publishers.
33. Chow, G. C. (2011). "Economic Planning in China". *Working Papers* 1318, Princeton University, Department of Economics, Center for Economic Policy Studies.
34. Marinoni, O. (2007). *Some Words on the Analysis Hierarchy Process (AHP) and the Provided ArcGIS Extension 'ext\_hap'*. 2007, Ext-ahp, Retrieved. <https://www.arcgis.com>.
35. Millikan, M. (1967). "Planning in India". *National Bureau of Economic Research* 1-40.
36. Nsikak- Abasi, A. E. & Kesit, K. N. (2015). "Barriers to Increasing Agricultural Production in Nigeria". *American Journal of Agricultural Science* 2(4): 138-143.
37. Saaty, T. L. (1980). *The Analytic Hierarchy Process*, New York, McGraw-Hill.

38. Saaty, T. L. (1988). *Decision Making for Leaders: The Analytical Hierarchy Process for Decisions in a Complex World*, Wadsworth. RWS Pub.
39. Zahedi, F. (1986). "The Analytic Hierarchy Process: A Survey of the Method and its Applications". Interfaces **16**(4): 96-108.

## Original Research Article

**Prioritizing the obstacles and challenges to achieving the goals of the first to the fifth programs of social, economic and cultural development of the Islamic republic of Iran in the Sector of Agriculture and Natural Resources****Gholamreza Yavari<sup>1</sup>**  
**Vahid Azizi<sup>2</sup>**

---

Received: 07-07-2019Accepted: 01-08-2020

---

**Introduction:** Iran's economy has been managed by development programs for more than half a century. Among the various economic sectors, the agricultural sector, owing to its place in the Iranian economy, has been of considerable importance in development programs after the Islamic Revolution. In each program, according to its time, important policies and tasks are defined for it. Despite policymakers' continued emphasis on the importance of the agricultural sector, this sector has not had a great impact on the growth and development of the country yet. The many challenges it faces indicate a failure to achieve the goals mentioned in the development plans. Therefore, it is necessary to study the pathology of the development programs and examines the reasons as why the goals of the development programs have not been achieved. Therefore, this study aims to determine and prioritize the obstacles and challenges facing the first to the fifth programs of social, economic and cultural development of the Islamic republic of Iran in the sectors of agriculture and natural resources.

**Methodology:** The present study is applied in terms of purpose and analytical-descriptive in terms of nature. The data were collected through library work and survey. The data collection tool in this research was a questionnaire. The questionnaire was designed using a review of sources related to the rules of development programs and conducting qualitative interviews. The validity and reliability were assessed for the research tool. The validity of the questionnaire was confirmed by a five-member panel of experts. To evaluate the reliability of the questionnaire, Cronbach's alpha test was used with the estimate of 0.85. After the modification and the validity and reliability test, the final questionnaire was developed for a hierarchical analysis. The final questionnaire consisting of three sections was designed

---

<sup>1</sup>- Associate Professor, Department of Agricultural Economics and Development, Payame Noor University

<sup>2</sup> - Master of Science in Agricultural Economics  
Email: vahidazizi1366@gmail.com

according to the purpose of the research. In the first part, the individual characteristics of the studied sample were examined. In the second part, the questions were raised for pair comparison and determination of the degree of importance of the main criteria, including the six main factors of failure to achieve the goals of development programs. The third section discusses the pairwise comparison and determining the degree of importance of the sub-criteria including 58 sub-components of failure to achieve the goals of development programs in the agricultural sector. The statistical population of this study included the agricultural experts in organizations and universities as well as producers. The non-probability and snowball sampling methods were used to collect information. Using this method, 50 people were identified and studied. Finally, the Analytic Hierarchy Process (AHP) decision-making method was used to conduct the research.

**Results and Discussion:** The research findings were reviewed in two sections. In the first part, the demographic characteristics of the studied sample were examined. They included age, gender, work and educational characteristics. In the second part, in order to prioritize the obstacles and challenges of not achieving the goals of development programs in agriculture and natural resources, the AHP method was used. The first step in the AHP method was to create a hierarchical structure from the items under study, namely the objectives, criteria and sub-criteria as shown in Figure 1. In the next step, the incompatibility coefficient (IR) was used to examine the consistency in the judgments. According to the results of the pairwise comparison, the adjustment rate of the main criteria was 0.00352. Given that it was less than 0.1, the results of the main criteria were optimal. The compatibility rate of the six sub-criteria was less than 0.1 too, and the results were confirmed and lay in the desired range. After the compatibility rate of the composite matrices was confirmed, the ranking of the criteria and the sub-criteria was analyzed. Based on the results of prioritization of the main criteria in the order of importance, structural-managerial barriers with a relative weight of 0.228, economic barriers with a relative weight of 0.200, political barriers with a relative weight of 0.156, scientific barriers with a relative weight of 0.153, executive barriers with a relative weight of 0.137, and socio-cultural barriers with a relative weight of 0.127 were ranked from one to six.

**Conclusion:** This study aims to determine and prioritize the obstacles and challenges to the achievement of the goals of the first to the fifth programs of social, economic and cultural development of Iran in the agriculture sector. According to the objectives of the research, 58 sub-criteria were identified and analyzed under six main criteria. In order to conduct the research, the decision-making method of AHP was used, and the opinions of 50 relevant specialists were considered. The results of the pairwise comparison and prioritization of the main criteria of the research showed that

structural-managerial barriers are of the first importance, and economic barriers are of the second importance. Also, political barriers, scientific barriers, executive barriers and socio-cultural barriers were in the third to the sixth priority respectively. In general, there are major reasons for the failure to achieve the goals of the development programs in the agriculture sector in economic, executive and structural domains. The most important financial and economic problems are the lack of capital resources, the reduction of government budgets and the lack of various financing models. As executive and managerial problems, one can mention government management, the existence of cumbersome laws, the worn-out executive system and the lack of meritocracy. In the field of structural and infrastructural problems, there is the lack of a purposeful support system in relation to infrastructure development, education and research, insurance system and product support.

**Keywords:** Development plan, Barriers and challenges, Agriculture, Natural resources, Prioritization, AHP method.

**JEL Classification:** Q01, Q18, Q48, O13, O21.